



نگاهی به «روپای بعد از ظهر» / سفر به گذشته و روزهای انقلاب

نکته قابل توجه در این داستان و به عبارت دیگر عنصری که داستان را شکل می‌دهد زمانی است که کودک به آن سفر کرده و آن سه ماه مانده به انقلاب اسلامی است.

نکته قابل توجه در این داستان و به عبارت دیگر عنصری که داستان را شکل می‌دهد زمانی است که کودک به آن سفر کرده و آن سه ماه مانده به انقلاب اسلامی است.

خبرگزاری مهر _ گروه فرهنگ و اندیشه: کتاب «روپای بعد از ظهر» نوشته نیلوفر مالک، یکی از کتاب‌های مهرک انتشارات سوره مهر است که برای نوجوانان منتشر شده است. این کتاب، داستان پسری نوجوان را روایت می‌کند که به ناگاه به دنیای چند سال گذشته پرت می‌شود. او هنگام تعمیر چراغ مطالعه اش، با جرقه برق بیهوش شده و وقتی چشمش را باز می‌کند، متوجه تغییرات در اطراف خود می‌شود. این اتفاق باعث شده او به سال‌های پیش از انقلاب و به بحبوحه حوادث آن ایام سفر کند.

مصطفی رضایی پژوهشگر درباره این کتاب یادداشتی نوشته که برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار گرفته است.

مشروح متن این یادداشت را در ادامه می‌خوانیم؛

در ادبیات هر چقدر که جلو ورود الگوی سفر در زمان همواره جذاب و غیر تکراری خواهد ماند. سفر در زمان یکی از زیر شاخه‌های ادبیات علمی تخیلی است که آثار بسیار زیادی بر اساس این الگوی داستانی نوشته شده. حتی فیلم‌های سینمایی بسیاری بر اساس آنها ساخته شده که عمدتاً جذاب است.

«روپای بعد از ظهر» نوشته نیلوفر مالک را نشر مهرک منتشر کرده و در واقع یک داستان بلند است هم بر همین اساس نوشته شده. داستان یک کودکی که به گذشته خانواده خویش سفر کرده. به روزهایی که مادرش کودک است و او در خانه پدری با جوانی‌های پدربزرگ و مادر بزرگش مواجه می‌شود. اما این سفر هم چون رویا است که شخصیت نوجوان داستان توسط برق گرفتگی وارد آن شده و وقتی که بیهوش می‌آید همه آنچه دیده بود همانند یک رویا به نظر می‌رسد.

نکته قابل توجه در این داستان و به عبارت دیگر عنصری که داستان را شکل می‌دهد زمانی است که کودک به آن سفر کرده و آن سه ماه مانده به انقلاب اسلامی است. او در زمان حال روایت‌های بسیاری از آن دوران از زبان مادرش شنیده. شهادت دایی اش در انقلاب و شهادت پدر بزرگش در جنگ تحمیلی و...

اما وقتی در روپای خویش به زمان گذشته و نزد خانواده مادری خود سفر می‌کند به دنبال تغییر این اتفاقات است. جلوی شهادت دایی اش را بگیرد. پدربزرگش را از جنگ منصرف کند و ... اما شخصیت نوجوان ما آن طور که از داستان انتظار می‌رود کنش مند نیست. البته با توجه به گروه سنی مخاطب که کودک و نوجوان هستند این نکته قابل اغماض است.

حضور شخصیت در گذشته بسیار خوب نشان داده شده. واکنش‌هایش با توجه به اینکه کودک است و حتی اشتباهات کلامی او داستان را باور پذیر کرده. مثلاً در پاسخ به سوال مادر بزرگش که اسم مدرسه اش را می‌پرسد می‌گوید: شهید مطهری. مادر بزرگش با تعجب از این اسم واکنش نشان می‌دهد، چرا که مرتضی مطهری آن دوره هنوز شهید نشده بود! توصیف‌ها خوب بود و در خدمت داستان بود.

زبان و نثر داستان بسیار ساده و روان بود و به خوشخوان بودن داستان کمک کرده بود. این داستان حدود ۶۰ صفحه ای را می‌توان در یک روز خواند و لذت برد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که داستان در جایزه امیر حسین فردی مورد تقدیر قرار گرفته است.

بهرتر بود با توجه به مخاطب کودک و نوجوان اندازه قلم در متن کمی بیشتر از استاندارد کتابی می‌بود. اما در کل یک داستان جذاب با محوریت موضوعی انقلاب اسلامی است. ایده ساده و جذابی دارد و خوشخوان است. و این ایده نسبت به عناصر دیگر داستان غالب است و با توجه به مخاطب کودک و نوجوان داستان جالبی برای مخاطبین می‌تواند باشد.